

باسمه تعالی

روش بررسی اخلاقی یک موضوع

(بحثی درباره اخلاق کاربردی)

حسینعلی رحمتی

ha.rahmati@gmail.com
www.harahmati.blogfa.com

زمستان ۱۳۹۲

بخش اول

یکی از پرسش‌هایی که معمولاً برای دانشجویان، پژوهشگران یا دیگر علاقه‌مندان به اخلاق و فلسفه اخلاق، به ویژه در حوزه اخلاق کاربردی، پیش می‌آید این است که چگونه می‌توان یک موضوع را از منظر اخلاق مورد بررسی قرار داد. این مسئله به خصوص درباره موضوع‌های جدیدی که درباره آنها از این منظر کار چندانی نشده به طور جدی‌تری مطرح می‌شود.

مطلب وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که توجه داشته باشیم یکی از کاستی‌هایی که در آموزش‌های مربوط به فلسفه اخلاق در مجامع

جزوه حاضر در حال اصلاح و تکمیل است. در صورت تمایل انتقادات و پیشنهادهای خود را از طریق ایمیل یا وبلاگ با نگارنده در میان بگذارید. با تشکر.

علمی ما وجود دارد، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، آن است که در این درس ها تاکید و تمرکز بیشتر روی «انتقال مطالب» به دانشجو است تا آموزش «روش» به وی و دادن «بینش و نگرش» و آموختن روش فلسفه ورزی به او. در این روش به جای آن که به دانشجو ماهی گیری را یاد دهند تا غذای یک عمر او را تامین کرده باشند، سعی می کنند با دادن چند ماهی به او غذای چند وعده (و گاه نهایتاً یک نیمسال، یعنی تا پایان جلسه امتحان!) وی را فراهم نمایند. پیامد این وضعیت آن است که دانشجو با آن که مطالب فراوانی درباره فلسفه و فیلسوفان اخلاق می داند و حتی در آزمون پایان ترم هم نمره خوبی می گیرد ولی اگر بخواهد موضوعی را از منظر اخلاقی بررسی کند با مشکلات جدی رو به رو می شود.

برای بررسی یک موضوع از منظر اخلاقی، مثلاً اخلاق کاربردی یا هنجاری، چه باید کرد؟ نگارنده مراحل ذیل را پیشنهاد می کند. آن چه می آید گر چه بیشتر ناظر به فلسفه اخلاق است ولی درباره دیگر گرایش های فلسفه هم کم و بیش کاربرد دارد.

۱. انتخاب موضوع. ابتدا باید مشخص شود چه موضوعی قرار است از منظر اخلاقی مورد بررسی قرار گیرد. برای انتخاب موضوع معیارهای مختلفی را باید مورد نظر قرار داد که در جزوه روش تحقیق به برخی از

انها اشاره شده است. معیارهایی چون نیاز جامعه، علاقه خود محقق، و تازه و جدید بودن موضوع.

۲. شناخت درست موضوع و ابعاد و کارکردهای آن. تا

وقتی ما شناخت نسبتاً جامع و کاملی از یک موضوع نداشته باشیم طبیعی است که نمی توانیم حکم فلسفی (و حتی غیر فلسفی) درستی درباره آن ارائه کنیم. فرض کنید می خواهیم موضوع «ماشین ها یا ربات های هوشمند» را از نظر اخلاقی مورد بررسی قرار دهیم. برای نخستین گام بایستی درباره مباحثی از این قبیل کسب آگاهی کنیم: تعریف این ماشین ها، تاریخچه شکل گیری آنها، کاربردهای مثبت و غیر مثبت آنها در زندگی انسان امروز، خطراتی که از ناحیه آنها ممکن است به وجود آید، میزان استقلال آنها در فکر و در عمل کردن، مفهوم هوشمند بودن آنها، تفاوت هوش آنها و هوش انسانی، و درصد احتمال خطای این ماشین ها.

۳. نگاه به موضوع از «نظر» اخلاقی و فلسفی. به هر پدیده

ای از زوایای مختلف می توان نگریست. یک دانشجو یا علاقه مند فلسفه اخلاق بایستی بیاموزد که با عینک فلسفی و اخلاقی به موضوع مورد نظر خود نگاه کند. این امر به مرور زمان و بر اثر مطالعه، تامل و ممارست به دست می آید. در مثال ماشین های هوشمند، این ماشین ها را می توان از نظر فنی، حقوقی، اقتصادی، علمی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن بررسی کرد. وقتی که ما به عنوان یک دانشجوی فلسفه با مباحث مطرح شده در مرحله اول پیرامون این ماشین ها به خوبی آشنا شده باشیم می توانیم با نگرش اخلاقی آنها را مد نظر قرار دهیم. نکته مهم در این مرحله پیدا کردن و به کار بردن همین «نظر»

است. ما باید بیاموزیم که نگاه اخلاقی به این موضوع چه ویژگی هایی دارد و تفاوت آن مثلا با نگاه اقتصادی یا فنی یا اجتماعی چیست. اگر با عینک اخلاقی به این ماشین ها نگاه کردیم آن گاه نوبت به مرحله بعد می رسد که طرح سوال است.

۴. طرح سوال های اخلاقی. هر تاملی در عرصه فلسفه و

اخلاق، و به طور کلی در همه علوم، با طرح سوال آغاز می شود. محقق یا محصل فلسفه در این مرحله باید بتواند با توجه به آن چه در دو مرحله قبل به دست آورده سوال های اخلاقی ای را طرح کند. برخی از این سوال ها می تواند از این قرار باشد: آیا کارهای ماشین های هوشمند می تواند متصف به صفات و احکام اخلاقی ای چون خوب و بد شود؟ اگر این ماشین ها به خوبی کار نکردند یا بر اثر عملکرد یا تصمیم نادرست آنها به دیگران آسیبی رسید اخلاقا چه کسی مقصر است؟ خود آنها یا سازندگان یا برنامه ریزان یا کاربران آنها یا هیچکدام؟ چه چیزهایی در اخلاقی بودن (یا نبودن) یک عمل تاثیر می گذارد؟ آیا این ماشین ها را می توان «عامل اخلاقی» نامید؟ تفاوت رفتار این ماشین ها با رفتار یک انسان عقب مانده ذهنی از نظر متصف شدن به حسن و قبح اخلاقی چیست؟ آیا این ماشین های می توانند منشا ناهنجاری های اخلاقی در جامعه شوند؟

۵. تعیین نظریه و منظر برای پاسخ به سوال های فوق.

مراحل قبل حالت زمینه سازی برای این مرحله و مرحله بعد را داشت. در حوزه فلسفه و از جمله در فلسفه اخلاق، دیدگاه ها، مکاتب و نظریه هایی گوناگونی مطرح است که انتخاب هر یک از آنها می تواند بر روی نوع

مواجهه ما با هر موضوعی تاثیر بگذارد و ما را گاه به احکام متفاوتی درباره یک موضوع رهنمون شود. بنابراین، در این مرحله محقق یا محصل فلسفه باید روشن کند که قصد دارد پاسخ پرسش های مطرح شده در مرحله قبل را از کدام منظر و با تکیه به کدام دیدگاه مشخص کند. اگر شما نظریه سودگرایی را انتخاب کنید ممکن است به راحتی از عملکرد ماشین های هوشمند، به رغم آسیب هایی که می رسانند، دفاع کنید. اما اگر نظریه مثلا اخلاق فضیلت یا وظیفه گرایی را مبنای کار خود قرار دهید ممکن است به نتایجی دیگر درباره این ماشین ها برسید. همچنین اگر از دیدگاه اخلاق اسلامی نگاه کنید ممکن است به یک نتیجه برسید و اگر منظر اخلاق غیر دینی بنگرید به نتیجه ای دیگر.

۶. تلاش برای یافتن پاسخ. در این مرحله می توان یک یا

چند سوال از سوال های مطرح شده در مراحل قبل را به عنوان محور بحث انتخاب کرد و با توجه به نظریه یا منظر انتخاب شده، به مطالعه، تامل و تحقیق جهت یافتن پاسخ به آنها بر آمد. در این مرحله به هر اندازه میزان آگاه های اخلاقی و فلسفی شخص و تسلط او بر موضوع و بر شیوه تفکر و منطقی اندیشیدن بیشتر باشد طبیعتا پاسخ هایی که به آنها دست می یابد عمیق تر و جدی تر است.

۷. آشنایی با دیدگاه های مختلف درباره موضوع. حتی

درباره یک موضوع جدید و بدیع هم ممکن است دیدگاه های گوناگونی مطرح شده باشد. از این رو تاملات فلسفی و یافتن پاسخ برای پرسش های فراروی یک اندیشمند وقتی به سرانجامی نیکو می رسد که وی از این دیدگاه ها و نظرات آگاهی یابد. این کار اولاً مانع از فعالیت های

تکراری می شود ثانياً توان و تامل را به سوی مباحثی که کمتر کار شده سوق می دهد، ثالثاً افق و گستره بحث را بسیار وسیع تر می کند و برای مخاطب هم آموزندگی بیشتری دارد. برای آشنایی با دیدگاه های مربوط به یک موضوع می توان از راه ها و روش های گوناگونی استفاده کرد؛ از جمله: مراجعه به آثار مکتوب، استفاده از اینترنت، پرسش از اهل فن و آگاهان مسیر.

۸. پاسخ به نقدهای احتمالی. عرصه فلسفه ورزی معرکه آرا و

اندیشه های گوناگون و گاه متضاد است. شور و نشاط این وادی هم به همین موضوع بستگی دارد. مهم آن است که هر که پا در این میدان گذاشت بتواند اصول و قواعد بحث را مراعات نموده و اخلاق نظریه پردازی و نقد را پاس دارد. از این رو یکی از شرایط موفقیت در امر تحصیل، تحقیق و تدریس فلسفه آن است که شخص اولاً با نقدها و دیدگاه هایی که مخالف اوست آشنا شود ثانياً هر اندازه از نقدها قابل قبول بود آنها را بپذیرد و به هر کدام که قابل خدشه بود پاسخ دهد.

۹. تدوین و سامان دهی یافته ها و ارائه آنها در قالب

مناسب. از قدیم گفته اند انسان باید هم «حرف خوب بزند» هم «خوب حرف بزند». به این معنا که هم محتوا و هم قالب بحث باید مناسب باشند. در مباحث اخلاقی و فلسفی هم اندیشه های افراد به هر اندازه معتبر و ارزشمند باشد اگر به خوبی تدوین و صورت بندی نشود و در یک فرم یا ساختار قابل فهم ارائه نگردد، مخاطب در فهم مطلب و ارتباط با موضوع دچار مشکل شده و انگیزه پی گیری و فهم آن را از دست می دهد. برخی از نکاتی که در تدوین ساختار بحث بایستی مورد توجه قرار

گیرد از این قرار است: ارائه تعاریف مورد نیاز، تاریخچه بحث، طرح موضوع، تبیین پرسش اصلی، پرسش های فرعی، فرضیه بحث، دیدگاه های مختلف، توضیح نظریه مورد دفاع و مبانی و ادله آن، و نقد دیدگاه های دیگران. طبیعتاً رعایت نکات و قوانین ویرایشی و نگارشی نیز در زیبایی و خوش فهمی و خوش خوانی مطلب ارائه شده نقش زیادی دارد.

۱۰. گشوده گذاشتن بحث و تلاش برای تکمیل آن.

گسترده و بی کرانه بودن اقیانوس اندیشه های فلسفی و اخلاقی از یک طرف، و محدودیت های گوناگونی که آدمی را فراگرفته از طرف دیگر، همچنین افزایش آگاهی های انسان به مرور زمان و رعایت تواضع و اخلاق علمی اقتضا می کند که تلاشگر وادی فلسفه هیچگاه کار خود را کامل و بی نقص تلقی نکند، بلکه هر موضوعی را همواره گشوده بگذارد و هر از گاهی با تامل مجدد، به تصحیح و تکمیل آن بپردازد. تغییر و تحول در دیدگاه های فلسفی نه تنها فی نفسه نقص به شمار نمی آید که اگر رو به کمال داشته باشد، خود نوعی کمال است. در زندگی برخی فیلسوفان دیده شده که این تحولات گاه به گونه ای بوده که مبنای تقسیم بندی مراحل زندگی فکری آنها شده، به گونه ای که گویی آن فیلسوف دو نفر بوده است. تعابیری چون «ویتگنشتاین اول و دوم» ناظر به چنین تحولاتی است.

۱۱. تمرین، ممارست و دانش افزایی مداوم. یکی از شرایط

موفقیت هر چه بیشتر در وادی تاملات فلسفی، تمرین و تداوم است. علاقه مندی، شور و شیدایی، دانش جویی مداوم، یادگیری و یاددهی بی

وقفه، و نوشتن مستمر موجب می شود که به مرور زمان تسلط و توانایی شخص در زمینه مباحث فلسفی و اخلاقی بیشتر شود و نظرات او از حیث محتوایی نیز از پختگی بیشتری برخوردار شود. در جایی (متاسفانه الان نمی دانم کجا) خواندم که برخی از گذشتگان معتقد بودند هیچ انسانی تا سن چهل سالگی نمی تواند به مقام فیلسوفی دست یابد. شاید به این خاطر که کسب دانش و تجربه کافی در آدمی نیازمند گذر زمان است. این البته نیز قابل گفتن است که به هر اندازه بر دانش و علم آدمی افزوده می شود بایستی بر تواضع و فروتنی و انسانیت او نیز افزوده شود و به هر اندازه در اخلاق نظری صاحب نظر می شود در اخلاق عملی نیز رشدی مضاعف داشته باشد. از این رو شاید بد نباشد که همواره آویزه گوش مان کنیم که:

مغرور مشو به خود که خواندی ورقی زان روز حذر کن که ورق برگردد

بخش دوم

نکاتی درباره روش شناخت و نقد اندیشه های اخلاقی (نقد اخلاق، اخلاق نقد)

یکی از امور مرتبط با تحصیل و تحقیق در فلسفه اخلاق، آشنایی با شیوه نقد اندیشه های اخلاقی است. در این باره چند نکته بیان می شود:

اهمیت روش شناسی:

بدون داشتن یک روش درست، نه می توان به خوبی فلسفه ورزی کرد و دیدگاه خود را بیان نمود و نه می توان به درستی دیدگاه های دیگران را شناخت و آن را مورد ارزیابی قرار داد. گاهی ناتوانی ما در شناخت و نقد اندیشه های اخلاقی دیگران، نه به خاطر سستی یا عدم تلاش و ضعف علمی، که به خاطر عدم آشنایی با روش درست نقد است.

مراحل مواجهه با اندیشه های اخلاقی:

الف) شناخت اندیشه ها:

موارد ذیل برخی از مقدماتی است که توجه به آنها زمینه ساز مواجهه منطقی و نقد منصفانه اندیشه ها و نظریه های اخلاقی است:

۱. شناخت مدعای مطرح شده: این کار باید بدون حب و بغض و به طور منصفانه و واقع بینانه و بر اساس منابع متقن و معتبر و حتی المقدور بی واسطه باشد.
۲. مواجهه با یک اندیشه بدون قضاوت و پیشداوری.

۳. استخراج ادله مطرح شده برای مدعا.
۴. شناخت مبانی به کار گرفته شده از سوی مدعی: مثلاً مشخص شود دیدگاه ارائه شده بر مبنای اندیشه دینی است یا غیردینی، اومانستی است یا الهی.
۵. شناخت عوامل، شرایط و افراد احتمالی موثر بر پیدایش دیدگاه اخلاقی.
۶. شناخت مفروضات و پیشفرض های دیدگاه های اخلاقی: مثلاً ممکن است کسی وجود تفاوت بین اخلاق فضیلت در اندیشه اسلامی و اندیشه غربی را مفروض گرفته باشد و اکنون درصدد بیان علت تفاوت یا خود تفاوت ها باشد. یا کسی برای بیان یک دیدگاه اخلاقی، مختار بودن یا نبودن انسان را فرض گرفته باشد.
۷. مشخص کردن مکتب یا نظریه اخلاقی ای که دیدگاه ارائه شده وابسته به آن است. مثلاً اخلاق وظیفه گرا یا سودگرا.

ب) نقد اندیشه ها:

- برای نقد یک اندیشه توجه به موارد زیر لازم به نظر می رسد:
۱. معنای صحیح کلمه «نقد» که عبارت است از تشخیص سره از ناسره و صحیح از خطا؛ نه به معنای عیب جویی و بدگویی یا مچ گیری. لذا هنگام نقد باید هم به نقاط قوت اشاره شود هم نقاط ضعف.

۲. نقد، نوعی قضاوت است و لذا کاری است دشوار و حساس. از این رو باید از سر احساس مسوولیت و با دقت کافی انجام شود تا مبادا حقی از کسی ضایع شود.
۳. ناقد باید موضع نقد خود را مشخص کند. مثلاً مشخص کند از منظر اندیشه اسلامی به نقد یک دیدگاه می پردازد یا نه. همچنین مشخص کند براساس چه نظریه ای (مثلاً وظیفه گرایی یا سودگرایی) به نقد می پردازد.
۴. مشخص کند کدام قسمت یک دیدگاه یا نظریه را نقد می کند. مثلاً قصد نقد خود مدعا را دارد یا پیشفرض های آن را، یا ادله اراده شده یا همه یا برخی از آنها را. در صورتی که قصد نقد ادله را دارد مشخص کند که نقدش متوجه صورت استدلال است یا ماده آن، یا صغرای استدلال یا کبرای آن یا همه یا برخی از آنها.
۵. مطالب به صورت منقح، مدون و با بیان روشن و سلیس و همراه با ذکر دلیل باشد.
۶. ناقد باید همواره احتمال بدهد که ممکن است در نقد خود اشتباه کند. از این رو راه اصلاح را برای دیدگاه های خود نبندد.

ج) رعایت ادب نقد

- هنگام نقد یک اندیشه یا دیدگاه لازم است ادب نقد مراعات گردد. برخی از نکات اخلاقی که در این زمینه قابل سفارش است از این قرار است:
۱. نقد مبتنی بر آگاهی و شناخت درست موضوع باشد و از نقد ناآگاهانه دوری شود.

۲. پرهیز ناقد از ورود به موضوع هایی که صلاحیت علمی لازم را برای آن ندارد.
۳. نقد بی طرفانه و منصفانه و به دور از حب و بغض باشد.
۴. نقد با هدف کشف حقیقت و گسترش علم باشد نه خدای ناکرده برای انتقام گیری و مانند آن.
۵. پرهیز از تحقیر و توهین به دیگران.
۶. پرهیز از عجب و غرور علمی و بالاتر دانستن خود از دیگران یا بی نیاز دانستن خود از نقد.
۷. پذیرش خطاهای احتمالی.
۸. عذرخواهی در صورت قضاوت ناصحیح و جبران ضررهای مادی و معنوی در حد توان.

بخش سوم

شیوه معرفی یک مکتب یا نظریه اخلاقی

چنانچه قصد دارید یک مکتب یا نظریه اخلاقی را در قالب یک مقاله معرفی کنید توجه به موارد زیر می تواند برای تان راه گشا باشد:

۱. انجام یک مطالعه اولیه جهت آشنایی اجمالی با موضوع مورد بحث.
 ۲. شناسایی منابع مربوط به بحث از طریق جست و جو در اینترنت، کتابخانه ها و کتابفروشی ها و مشورت با افراد آشنا به موضوع.
 ۳. مطالعه و یادداشت برداری.
 ۴. رعایت نکات گفته شده درباره یک مقاله علمی، از قبیل: داشتن چکیده و واژگان کلیدی، مقدمه (چی، چرا، چگونه)، برخورداری از سیر منطقی مناسب، جمع بندی و نتیجه گیری، تنظیم صحیح منابع، آدرس دهی درون متنی به صورت صحیح.
 ۵. برای مراعات سیر منطقی، تدوین مقاله به صورت زیر پیشنهاد می شود:
- a. معرفی مکتب یا نظریه مورد نظر.
 - b. بیان علل، عوامل و زمینه های شکل گیری آن مکتب یا نظریه
 - c. بیان اهمیت آن مکتب یا نظریه و تاثیر آن در زمان خودش یا زمان های بعد.

- d. تاریخچه و سیر تحولات آن مکتب یا نظریه
- e. بیان مهمترین دیدگاه ها، مباحث و موضوع های مطرح شده در آن مکتب یا نظریه یا درباره آنها.
- f. معرفی چهره های شاخص یا آثار بارز نوشته شده درباره آن مکتب ای نظریه.
- g. نقد و بررسی
- h. معرفی منابعی برای مراجعه و مطالعه بیشتر مخاطب.

تمرین:

یکی از موضوعات زیر، یا موضوعاتی از این قبیل را با توجه به آن چه در جزوه گفته شد از منظر اخلاقی مورد بررسی قرار دهید:

- ۱. آلودگی شهرها
- ۲. استفاده از ربات ها و ماشین های هوشمند
- ۳. اینترنت
- ۴. بازی های رایانه ای
- ۵. تبلیغات تلویزیونی
- ۶. تحقیق و پژوهش
- ۷. تدریس
- ۸. حفظ/تخریب محیط زیست
- ۹. دآوری در مسابقات ورزشی
- ۱۰. رانندگی در شهر
- ۱۱. سرقت علمی آثار دیگران
- ۱۲. موبایل
- ۱۳. ارسال هرزنامه (اسپم)
- ۱۴.

پایان